

ارتباطات علم و ترویج علم

مفهوم سازی فرایندی است پیچیده در تاریخ تفکر در جوامع انسانی. هنگامی که مفهومی جدید ابداع می‌شود و کلمه ای بر آن اطلاق می‌شود، اعم از این که نواژه باشد یا واژه‌ای موجود، به طور طبیعی ذهن انسان‌هایی که در آن فرایند مشارکتی نداشته‌اند در پذیرش این مفهوم مقاومت می‌کند. این هم پدیده‌ای شناخته شده است. این پدیده‌ی مقاومت ذهن در زمینه‌ی مفهوم‌های علوم طبیعی کمتر است. با وصف این می‌دانیم که ذهن ایرانیان هنگامی که با دو مفهوم مدرن سرعت و شتاب در فیزیک، و تفکیک آن دو، در دوره‌ی دارالفنون مواجه شد واکنشی گیج‌کننده و مبهم از خود نشان داد و شاید کتاب فیزیک علیخان در ابتدای دوران پهلوی اولین کتابی بود که در آن این دو مفهوم از هم تفکیک شد. مفهوم زمان در فیزیک مدرن اما، که پایه‌ی همه‌ی علوم جدید است، هنوز در ذهن ما ایرانیان و فلاسفه‌ی ما شکل نگرفته و پذیرفته نشده است. همین کافی است بتوانیم تصور کنیم در زمینه‌ی مفهوم‌های علوم انسانی چقدر این فرایند پذیرش مفهوم‌های جدید سخت‌تر و زمان بر تر است.

مفهوم ترویج علم و حالا مفهوم ارتباطات علم و تفکیک آنها از هم مصداق همین پیچیدگی در علوم انسانی است. به خاطر دارم اوائل دهه‌ی هفتاد را که واژه‌ی ترویج علم را به منظور بیان مفهوم تبدیل و "ترجمه‌ی" گزاره‌های علمی به زبان عامه را پیشنهاد کردیم و به کار بردیم. بسیار یا اصلاً قبول نداشتند یا برای پذیرش آن آمادگی نداشتند. مرحوم آقای دکتر شریعتمداری استاد علوم تربیتی از جمله مخالفان این واژه بودند. حالا پس از بیش از دو دهه که این واژه برای بیان مفهوم همگانی کردن دانش یا معرفت علمی مدرن به کار می‌رود مفهوم جدید و عام‌تر "ارتباطات علم" میان متخصصان علوم انسانی با مشکل مشابهی مواجه است؛ پس باید انتظار داشت با جا افتادن این مفهوم در میان سیاست‌گذاران و مدیران هنوز فاصله‌ی بسیار داشته باشیم.

کلمه‌ی ارتباطات، جمع ارتباط، از همان معنایی گرفته شده که در زمینه‌ی ارتباط انسانی به کار می‌رود. توانایی ارتباط میان انسان‌ها هنری است که روان‌شناسان از پیچیدگی آن به خوبی آگاه‌اند. به همان معنی توانایی برقرار کردن ارتباط علمی میان گروه‌های انسانی متفاوت هنر و فنی پیچیده

است، به ویژه در این چند دهه‌ی اخیر که رشد علم بسیار شدت گرفته و فرصت جذب یافته‌های علمی برای اهل علم حتی در یک رشته هم کار ساده‌ای نیست. ارتباط میان اهل علم در یک رشته-ی تخصصی معمولاً گفتمان (دیسکوز) نامیده می‌شود که اساس رشد علم است. اما معمولاً از یک تخصص که کمی دور می‌شویم پیچیدگی مفاهیم به حدی است که گفتمان دیگر امکان‌ناپذیر می‌شود و ارتباط یا "ارتباطات علم" جایگزین گفتمان علم می‌شود. و ما در ایران هنوز از فراگیری و تفکر در زمینه‌ی این هنر و فن برقراری ارتباط علم غافلیم و مفهوم آن را هم به درستی نمی‌شناسیم؛ منظور من نشاختن در میان متخصصان علوم انسانی است چه رسد به متخصصان علوم پایه و پزشکی و مهندسی؛ و اصلاً از عامه صحبتی نمی‌کنم!

اتفاقاً، اهمیت درک این مفهوم جدید برای کشوری مثل ایران که در راه ورود به دنیای جدید علم است و می‌خواهد از فاز یادگیری دانش علمی به فاز مشارکت در فرایند علم جهانی وارد بشود شناختن این مفهوم یکی از مهم‌ترین مانع‌ها در ورود به این فاز و سیاست‌گذاری منطقی در تسهیل این ورود است. متخصصان ما که در یک رشته با همکاران جهانی خود وارد گفتمان علم جهانی شده‌اند بر این تصورند که لابد کشور هم باید به همین ترتیب وارد فاز فرایندی با علم جهانی بشود و متوجه نمی‌شوند که تا زمانی که میان رشته‌های تخصصی درون کشور مفاهیم‌ای اتفاق نیفتد، و ارتباط علم میان حوزه‌های متفاوت علم در نگیرد، هر کس بخشی از این "فیل" علم را دریافته و تصویری از خود فیل در کلان سیاست‌گذاری کشور وارد نشده است؛ و همین باعث می‌شود سیاست-گذاران و مدیران ما نتوانند یکپارچگی فرایند علم را درک بکنند و آن را در برنامه‌ریزی‌های ملی به اقدام‌های اثرگذار ترجمه بکنند.

نمی‌توان واژه‌ی ترویج علم را برای ارتباط میان حوزه‌های علم یا میان حوزه‌های علم و مدیریت علم به کار برد؛ حوزه‌هایی که ارتباط میان آنها در ایران عملاً تعطیل است یا ناممکن شده است؛ نگاه کنید به جدایی علوم پزشکی از علوم دیگر؛ یا بی‌توجهی به علوم انسانی و فروکاهیدن آن به خواندن چند کتاب و اخذ درجه‌ی دکتری در دانشگاه‌های ایران. باید مفهوم ارتباطات علم را جدی بگیریم و برای برقراری سالم ارتباطات علم در داخل کشور با ویژگی‌های منحصر به فردش بکوشیم. درک و گسترش کاربرد مفهوم ارتباطات علم به طور قطع به توسعه‌ی علمی ما سرعت خواهد بخشید.

رضا منصوری